

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دادستان در حقوق و آزادی‌های عمومی



مؤلف
جعفر مرتضی نیا

انتشارات چتر دانش

سرشناسه :	مرتضی نیا، جعفر، ۱۳۷۲-
عنوان و نام پدیدآور	دادستان در حقوق و آزادی‌های عمومی/مؤلف جعفر مرتضی نیا.
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۴۲ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۹۰-۹ :
وضعیت فهرست‌نویسی :	فیپا
موضوع	دادستان‌ها -- ایران -- شرح وظایف
موضوع	Public prosecutors -- Job descriptions -- Iran :
موضوع	دادستان‌ها -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	Public prosecutors -- Iran -- History -- 20 th century :
موضوع	حقوق عمومی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	Public law -- Iran -- History -- 20 th century :
موضوع	حقوق مدنی -- ایران
موضوع	Civil rights -- Iran :
رده بندی کنگره	KMH۱۶۱۵ :
رده بندی دیویی	۳۴۵/۵۵۰۱ :
شماره کتابشناسی ملی	۶۰۵۹۶۸۹ :

نام کتاب	دادستان در حقوق و آزادی‌های عمومی
ناشر	چتر دانش
مؤلف	جعفر مرتضی نیا
نوبت و سال چاپ	اول - ۱۳۹۹
شمارگان	۱۰۰۰ :
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۹۰-۹ :
قیمت	۸۰۰۰۰ تومان :

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

تقدیم به

این کتاب را در کمال افتخار و امتنان تقدیم می‌نمایم:

حضرت فاطمه 

و

همسر عزیزم

تشکر و قدردانی

الحمد لله الذي جعل الحمد مفتاحا لذكره .

در حقیقت پس از پیمودن راه‌های فراوان، و شیطنتهای زیبای آن، نگاه‌های پدر
مادرم، با چشم‌های پر از برق شوق، و زیبایی حضور خواهرم در کنارم، که خستگی‌های
این راه را به امید و روشنی راه تبدیل کرده قدردانی می‌نمایم و امیدوارم بتوانم
جوابگوی این همه محبت آنها باشم.

فهرست

۷

۱۱ نشانه‌های اختصاری

۱۳ مقدمه

۱۷ فصل اول: مطالعات نظری

۱۹ پیشگفتار

۲۰ ۱-۱- حق و آزادی

۲۰ ۱-۱-۱- تعریف و مفهوم مبانی فطری حق

۲۰ ۱-۱-۱-۱- تعریف و مفهوم حق

۲۴ ۱-۱-۲- مبانی فطری حق

۲۶ ۲-۱-۱- مفهوم و مبانی نظری آزادی‌ها

۲۷ ۱-۲-۱-۱- مفهوم و تعریف آزادی

۳۳ ۲-۲-۱-۲- مبانی فطری آزادی‌ها

۳۵ ۲-۱- مفهوم و ساختار قضایی دادسرا

۳۶ ۱-۲-۱- دادسرا

۳۷ ۱-۱-۲-۱- مفهوم و وظایف دادسرا

۳۹ ۲-۱-۲-۱- ساختار قضایی دادسرا

۴۳ ۲-۲-۱- جایگاه و نقش ذاتی دادستان

۴۴ ۱-۲-۲-۱- جایگاه دادستان

- ۴۵-۲-۲-۱- نقش ذاتی دادستان
- ۴۸-۳- خلاصه فصل

فصل دوم: حقوق و آزادی‌های عمومی ۵۱

- ۵۳- پیشگفتار
- ۵۴-۱- حقوق، آزادی‌های فردی و آزادی‌های عمومی
- ۵۴-۱-۱-۲- مفهوم حقوق، آزادی‌های فردی و آزادی‌های عمومی
- ۵۴-۱-۱-۱- تعریف و مفهوم حقوق و آزادی فردی
- ۵۵-۲-۱-۱-۲- تعریف و مفهوم آزادی عمومی
- ۵۶-۲-۱-۲- جایگاه و نظریات علمی حقوق و آزادی‌های عمومی
- ۵۶-۱-۲-۱-۲- جایگاه آزادی‌های عمومی در علم حقوق
- ۵۸-۲-۲-۱-۲- نظریات مختلف از حقوق فردی و آزادی‌های عمومی
- ۶۰-۳-۱-۲- تقسیم‌بندی و اثر آزادی‌های عمومی بر حقوق فردی
- ۶۰-۱-۳-۱-۲- تقسیم‌بندی حقوق و آزادی‌های عمومی
- ۶۲-۲-۳-۱-۲- اثر آزادی‌های عمومی بر حقوق فردی
- ۶۶-۲- تضمینات حقوق و آزادی‌های عمومی و ضمانت اجرای آن
- ۶۷-۱-۲-۲- ضمانت اجرای تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی
- ۶۹-۱-۱-۲-۲- نقش قانون اساسی در تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی
- ۷۰-۲-۱-۲-۲- نقش قوانین عادی در تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی
- ۷۰-۳-۱-۲-۲- نقش آیین‌نامه‌های دولتی در تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی
- ۷۱-۲-۲-۲- تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی در قانون اساسی
- ۷۲-۱-۲-۲-۲- نقش حاکمیت قانون در حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی
- ۷۲-۲-۲-۲- چگونگی رابطه حاکمیت قانون و حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی
- ۷۵-۳- جمع‌بندی
- ۷۷-۳- جمع‌بندی

فصل سوم: نقش و وظایف دادستان در مصونیت‌های فردی و

عمومی ۷۹

پیشگفتار ۸۱

۱-۳- نقش دادستان در مصونیت‌های فردی و عمومی ۸۲

۱-۱-۳- نقش دادستان در مصونیت‌های فردی ۸۴

۱-۱-۱-۳- مصونیت حقوق مالکانه ۸۵

۲-۱-۱-۳- مصونیت خانه و مسکن ۸۷

۳-۱-۱-۳- مصونیت مکاتبات، مکالمات، مخابرات و اسرار شخصی ۸۹

۲-۱-۳- نقش دادستان در مصونیت‌های عمومی ۹۰

۱-۲-۱-۳- نظم عمومی ۹۰

۲-۲-۱-۳- امنیت عمومی ۹۳

۳-۱-۳- تقسیم‌بندی و اثر نقش دادستان بر مصونیت‌های فردی و عمومی ۹۴

۱-۳-۱-۳- تقسیم‌بندی نقش دادستان به امور پیشگیرانه و نظارتی ۹۵

۲-۳-۱-۳- اثر نقش دادستان بر مصونیت‌های فردی و عمومی ۱۰۲

۲- وظایف و اختیارات دادستان ۱۰۶

۱-۲-۳- امور جزایی و غیر جزایی ۱۰۶

۱-۱-۲-۳- امور جزایی (کیفری) ۱۰۶

۲-۱-۲-۳- امور غیر جزایی (غیر کیفری) ۱۱۰

۲-۲-۳- اجرا، استیفاء و احیاء حقوق و آزادی‌های عمومی ۱۱۶

۱-۲-۲-۳- اجرا و اعطای حقوق و آزادی‌های عمومی ۱۱۹

۲-۲-۲-۳- احقاق و استیفای حقوق و آزادی‌های عمومی ۱۲۰

۳-۲-۲-۳- احیا و اقامه حقوق و آزادی‌های عمومی ۱۲۱

۳- جمع‌بندی ۱۲۵

۴-۳- پیشنهادات ۱۲۵

ضمائم ۱۲۹

منابع ۱۳۷

نشانه‌های اختصاری

- ق.م قانون مدنی
- ق.م.ا قانون مجازات اسلامی
- آ.آ.د.د.ع.ا آیین نامه آیین دادرسی دیوان عدالت اداری
- آ.ا.ق.ت.د.ع آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
- آ.ل.ق.ا.ک.و.د آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری
- ق.ا قانون اساسی
- ق.ا.ا.م قانون اجرای احکام مدنی
- ق.ا.پ.ق.د قانون اصلاحی پاره‌ای قوانین دادگستری
- ق.ا.ح قانون امور حسبی
- ق.ا.ق.ج.ت.ع قانون اصلاح قانون جلوگیری از تصرفات عدوانی
- ق.ا.ق.ت.د.ع.ا قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
- ق.ت.د.ح.ی.و.د قانون تشکیل دادگاه‌های حقوقی یک و دو
- ق.ت.د.ع.ا قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
- ق.د.ع.ا قانون عدالت اداری
- ل.ق.ت.د.ع لایحه قانونی تشکیل دادگاه عمومی
- ل.ق.د.م.خ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص
- م.ق.ر.ر.ک مجموعه قوانین روزنامه رسمی کشور

مقدمه

انسان آزاد آفریده شده است و حقوق و امتیازاتی دارد که قابل اسقاط نیست، حق دارد از آزادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های زندگی باکرامت بهره‌مند شود، بر این اساس هر فرد می‌تواند از این حقوق و آزادی‌های عمومی برخوردار شود.

اعلام و شناسایی حقوق و آزادی‌ها در قانون اساسی کشور یک مسئله است و مسئله مهم‌تر اجرا و تضمین آنها است، باید دانست اجرای حقوق آزادی‌های عمومی در گروهی امنیت^۱ مخصوصاً امنیت قضایی است و در صورت فقدان امنیت همه حقوق و آزادی‌ها معنای خود را از دست می‌دهند. حقوق و آزادی‌های عمومی که به‌نوعی می‌توان گفت مرادف با حقوق فردی افراد است باید از هرگونه تعرض مصون بمانند.

قلمرو این حقوق و آزادی‌ها را قانون مشخص می‌کند، برای حفظ آن افراد باید خود را موظف به رعایت نمایند و با اهتمام بیشتری رفتار کنند. البته نقش حاکمیت در ایجاد و حفظ این حقوق و آزادی‌ها باید کاملاً بی‌طرفانه باشد. از طرفی اگر این حقوق در تعارض یکدیگر باشند با توجه به اینکه حقوق و آزادی‌های عمومی برگرفته از حقوق و آزادی‌های فردی است با یکدیگر سازشی مثبت خواهند داشت به این نحو که حقوق و آزادی‌های عمومی مقدم بر حقوق و آزادی‌های فردی هستند، حتی اگر از طرف حاکمیت این حقوق و آزادی‌ها

مورد تعرض قرار گیرند. اصل یکصدوپنجاه و ششم قانون اساسی قوه قضاییه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و احیای حقوق و آزادی‌های عمومی و گسترش عدل می‌داند، در یک جامعه متولی حفظ و صیانت از حقوق عامه، نهاد دادستانی است. در این راستا دادستان کل کشور در وسعت و گستردگی کشور به صیانت از حقوق و آزادی‌های عمومی می‌پردازد، برای اجرا و استیفاء این نقش وظایف و اختیارات گسترده‌ای یاد شده است و این صیانت از حقوق و آزادی‌های عمومی در هر حوزه قضایی توسط دادستان‌های جزء که «مدعی‌العموم» به‌عنوان نماینده حکومت (وکیل‌الحکومه) یا نماینده‌های مردم «وکیل‌الملة» انجام می‌شود.

دادستان‌ها با امکانات و ابزارهای لازم به‌عنوان ریاست نهاد دادرسی در هر حوزه به وظایف محوله و ایجاد نظم و امنیت عمومی می‌پردازد و به‌عنوان وکیل جامعه با کسانی که به حقوق و آزادی‌های عمومی تعرض می‌کنند برخورد و از وقوع جرائم جلوگیری می‌نمایند و در موارد حق‌الناسی و حق‌اللهی اقامه دعوی می‌نمایند.

به این ترتیب ساختار اصلی عبارت از پاسخ به یک پرسش اصلی که در ارائه نقش و جایگاه دادستان در جامعه بسیار موثر است.

پرسش اصلی: منظور از نقش دادستان در جایگاه مدعی‌العموم در صیانت از حقوق و آزادی‌های عمومی افراد جامعه چگونه است؟

پاسخ به این پرسش از این جهت اهمیت دارد که نظام حقوقی- اساسی هر کشوری برای افراد خود یک سری حقوق و تکالیفی مشخص می‌کند که افراد و دولت ملزم به رعایت آنها هستند و در مقابل تکلیفی هم بر آنها مترتب شده است. دولت یا به تعبیری حاکمیت ملزم به در نظر گرفتن حقوق و آزادی‌های عمومی افراد است. اما از آن جایی که دولت دارای قدرت عمومی برتر است، در این میان دادستان به در جایگاه مدعی‌العموم و براساس پیشینه تاریخی خود که مدافع حقوق عمومی است به صیانت و حفاظت از حقوق و آزادی‌های عمومی در جامعه از جانب حاکمیت و مردم خواهد پرداخت.

حضور فعالانه دادستان در سطح جامعه و ایجاد شرایط پیشگیرانه در جامعه

در صیانت از حقوق و آزادی‌ها برای افراد امتیاز و شرایط ویژه‌ای را به وجود می‌آورند که چهارچوب آن در قوانین اساسی کشور بیان گردیده است، از طرفی تمایل به داشتن نقش بی‌طرفانه در تضمین حقوق و آزادی‌های عمومی دادستان را در جامعه به‌عنوان مدعی‌العموم در هر حوزه قضایی، نقش بی‌طرفانه‌ای در صیانت از آزادی‌های عمومی را به عهده دارد، که در اصول و مادّاتین قانون اساسی و عادی تضمینات و ضمانت‌اجراهایی برای صیانت از حقوق و آزادی‌های عمومی بیان گردیده است.

با بررسی نقش دادستان به‌عنوان حافظ حقوق عمومی در سطح جامعه در نقش وکیل‌الحکومه یا وکیل‌الملة یا ایفای این دو نقش توأمان در چارچوب قانون خواهیم پرداخت، زیرا این موضوع از قلم نویسندگان محجور مانده است، جایگاه مدعی‌العموم به‌عنوان وکیل‌الحکومه یا وکیل‌الملة در جامعه از اهمیت فراوانی برخوردار است که متأسفانه درک نادرست از این نقش او باعث شده است اختیارات و وظایف او را در جایگاهش گسترده‌تر کنند این باعث شده که به امور اجرایی و منفعل در یک ساختمان محصور شود. بلکه باید به نقش و جایگاه ارزشمند وکیل‌الحکومه یا وکیل‌الحکومه که دارای تبار قضایی است توجه شود نه به گسترده‌تر کردن وظایف و اختیارات وی که امید است در این مجموعه بتوانیم به اندازه توان نقش دادستان در حفظ حقوق و آزادی‌های عمومی را تبیین نماییم.

در پایان بدیهی است که هیچ‌گونه ادعایی در تألیف ندارم و صرفاً تدوین براساس کتب استادان بزرگ و افتخار شاگردی در محضر این بزرگان است. گردآوری تمام موارد پراهمیت در این کتاب علاقمندان را از مطالعه کتب مختلف بی‌نیاز می‌کند و با تأکید بر اینکه مجموعه پیشرو از کمی و نواقص دور نیست و بی‌تردید پیشنهادات شایسته خوانندگان محترم می‌تواند در اصلاح این مجموعه مؤثر باشد، لذا خواهشمند است نظرات و ایرادات خود را به آدرس jafar.mortezania@gmail.com ایمیل بفرمایید.

با تشکر، جعفر مرتضی‌نیا

فصل اول

مطالعات نظری

پیشگفتار

برای مطالعه و شناخت بهتر حقوق و آزادی‌های عمومی ابتدا باید بدانیم مفهوم حق و آزادی عمومی چیست. آزادی، نوعی رفتار، راه روش، نظم پذیرفته شده، در تاریخ و فرهنگ ملت‌هاست، که مسائل گوناگونی، که برای افراد ایجاد می‌شود، راه‌حل‌هایی ارائه می‌کند و پیشنهادهای و توصیه‌هایی می‌نماید (طباطبایی، ۱۳۹۴، ع). برای درک صحیح اینکه در جامعه، حدود آزادی چیست، باید چگونگی روابط بین دولت و افراد و اعمال و رفتار آنها و رابطه حق و تکلیف را بررسی نماییم. آزادی در علم حقوق جلوه‌ای حکیمانه به خود می‌گیرد و با قرار گرفتن در مجرای حق و تکلیف آرمان عدالت را نوید می‌دهد. به‌طوری که گاهی حق برای شخص معینی است و تکلیفی بر دیگران و گاهی حقی برای دیگران و تکلیفی بر فرد، در این قسم حق برای یک طرف مطرح است و تکلیف برای طرف مقابل، حق این فرد تکلیف مقابل است که حاصل آن نفع این فرد و بار دیگری است و حق طرف مقابل، تکلیف این فرد که در نتیجه نفع آن برای دیگری است و بار آن برای این فرد و قسم دیگری از مناسبات میان حق و تکلیف وجود دارد که حق و تکلیف هر دو در یک طرف قرار دارند. هم حق برای آن فرد است و هم تکلیف بر او، در این قسم تردیدی وجود ندارد که تکالیف به حقوق بازگشت می‌کنند و در حقیقت راه تحقق و احیای حق هستند. و الزام در برخی امور از آن روست که تنها راه تحقق یافتن حق است و بدون استیفای آنها، استیفای حقوق ممکن

نیست (حق و تکلیف، ۱۳۸۴، ۶) همواره حقوق و آزادی‌ها به دلایل مختلف مورد تعرض دولت‌ها قرار گرفته‌اند هرچند که این تعرض بر حقوق و آزادی‌ها بین حداقل و حداکثر در نوسان بوده است، ولی به دلیل ساخت جامعه مدنی امروزی نهادها و سازمان‌هایی به احیا و صیانت و حفاظت از این حقوق می‌پردازند. مطابق قانون اساسی این وظیفه در جامعه و مرجع رسیدگی به تظلمات قوه قضائیه است. دادستان در جامعه به‌عنوان مدعی العموم ایفای نقش می‌نماید. تا بتواند این حقوق و آزادی‌ها را در برابر تعرض‌های فردی یا جامعه بازدارد.

۱-۱- حق و آزادی

در این بخش به معنی و مفهوم حق و آزادی که با یک دیگر پیوند خورده‌اند می‌پردازیم، زیرا هر دو شرایط و امتیازاتی برای فرد فراهم می‌کنند تا در اجتماع بتواند در چارچوب پیش‌بینی‌شده از آن استفاده کند.

۱-۱-۱- تعریف و مفهوم مبانی فطری حق

برای شناخت بهتر حقوق ابتدا ساختار نظری، معنی و مفهوم حق را بررسی می‌کنیم که اجزای سازنده آن چیست و به چه صورت حق به وجود می‌آید.

۱-۱-۱-۱- تعریف و مفهوم حق

حق در لغت به معنی درست، راست، ثابت، سزا، سزاوار، و عدل آمده است (دهخدا، ۱۳۳۸، ۷۳۷). حق در اصطلاح فقه و حقوق معانی متفاوتی دارد، به‌طور مثال گاهی در مقابل حکم، ملک و تکلیف است. تکلیف نیز در اصطلاح فقه اوامر و نواهی شارع است که شامل تکالیف انسان نسبت به خدا و تکالیف انسان در برابر مردم می‌شود. تکلیف در اصطلاح حقوقی اوامر و نواهی قانونی را گویند. در یک نظام اجتماعی عدالت ضروری است که حقوق و تکالیف افراد متناسب با برخورداری‌ها و امتیازهای آنها یکسان و مساوی باشد.

مفهوم «حق» از مهم‌ترین مسائل حوزه اخلاق محسوب می‌شود. حقوق نیز

مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهایی شد که اعضای یک جامعه را ملزم به رعایت آن کرد و دولت‌ها نیز ضمانت اجرای آن را به عهده گرفتند. تقریباً همه جوامع انسانی از گذشته تاکنون به نوعی با این الزام‌های حقوقی همراه بوده‌اند. به دیگر سخن، حقوق، به مجموعه قواعد و مقرراتی می‌گویند که بر روابط افراد یک جامعه در زمان معین به کار برده می‌شود که مجموعه قراردادهای اجتماعی آن در قالب «قانون» تعریف می‌شود. این «قانون» که در هر کدام از نقاط مختلف جهان متفاوت است، عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. در اصل می‌تواند تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور و تعیین و تضمین‌کننده حقوق شهروندان کشور باشد، حال این حقوق می‌تواند قوانین داخلی مورد تصویب کشورها توسط نهادهای قانون‌گذاری باشد (قوه مقننه در ایران)، می‌خواهد ذیل قوانین بین‌المللی در جهان باشد یا اینکه آیین‌نامه‌های به تصویب رسیده توسط دولت‌ها (قوه مجریه) باشد. در همه این موارد، یک نقطه مشترک وجود دارد و آن هم ایجاد حق و تکلیف است. در ذیل معنی و مفهوم حق تبیین خواهد شد.

الف) حق به معنی محق بودن

وقتی از «حق» و «حق داشتن» سخن می‌گوییم به آن معنا است که دارنده حق در وضعیت ویژه‌ای قرار گرفته برای مثال وقتی قانون کشوری فردی را محق می‌شناسد این بدان معنا است که نظام حقوقی کشور، آن فرد را در موقعیت ویژه‌ای قرار داده و امتیاز و فرصتی در اختیار او گذاشته شده است. اما حق بودن نقطه مقابل باطل بودن است، می‌توان حق را این طور بیان کرد که حق اموری است که در قانون پیش‌بینی شده که اگر افراد مجاز باشند، به قصد خود برخی از آنها را تغییر دهند، این امور قابل تغییر را «حق» گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۲۱۶).

ب) حق به معنای اقامه دعوی

حق به معنی اقامه دعوی حقی است که به موجب آن هر شخص بتواند برای استیفای حقوق خود یا دفع تجاوز دیگران به مراجع تظلم عمومی شکایت کرده و رسیدگی را بخواهد (همان، ۲۱۸). به عنوان مثال چنانچه حق فردی از اجتماع به دلیل اهمال یا تقصیر مأموران دولتی با سایر شهروندان پایمال گردد، این حق برای فرد متضرر وجود دارد تا نسبت به تضییع حق خویش اقامه دعوی نماید و در واقع رسیدگی به این امر و مجازات فرد خاطی با جبران خسارت متضرر از جمله ضمانت اجرای حق اعطایی به افراد جامعه است که در قوانین و مقررات نظام حقوقی ما به آن تصریح شده است.

ج) حق به معنای اختیار

قانون ممکن است فردی را در وضعیتی عامل تغییر روابط حقوقی موجود بین او و دیگران بداند. برای مثال صاحب مال حق دارد مال خود را به دیگران ببخشد و از این طریق، کلیه اختیارات، امتیازات و حق اقامه دعوی خود را به دیگران واگذار کند.

د) حق به معنای مصونیت

از سوی دیگر ممکن است طبق قانون فرد از ورود به حوزه اختیارات افراد دیگر منع شود. مثلاً یک خارجی نمی‌تواند متصرف اموال شهروندان یک کشور شود (والدران، ۱۳۸۱، ۲). در تعریف دیگر آمده است: «حق امتیاز و نفعی است که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او نوعی تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۳۷۴) پاره‌ای از نویسندگان اراده را مبنای حق شمرده‌اند و گفته‌اند: «حق عبارت است از توانایی که به اراده اشخاص داده شده» و گروهی دیگر در تعریف حق گفته‌اند: «نفعی است که از نظر حقوقی حمایت شده»؛ لذا با توجه به این مفاهیم می‌توان گفت که حق، توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مالی به‌طور مستقیم استفاده کنند یا انتقال مال و انجام دادن کاری را از دیگران

بخواهند (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۲۴۹ و ۲۴۸). به بیانی دیگر، حق در اصطلاح قدرتی است که از طرف قانون به شخصی داده شده است (جعفری لنگرودی، پیشین، ۲۱۶). همچنین حق، نوعی سلطه است که انسان بر اشیاء یا اشخاص دارد سلطه بر اشیاء مانند حق تحجیر و سلطه بر اشخاص مانند: حق قصاص و حق حضانت (محقق داماد، ۱۳۸۷، ۲۶۹) اما حق در معنای اخص، عبارت است از «توانایی خاص برای انجام دادن عملی که گاهی عین و گاهی به عقد و گاهی به شخص تعلق می‌گیرد» (ابوالحسنی، ۱۳۸۶، ۲۳) که البته در بطن و متن تمامی اندیشه‌ها، آزمون‌ها، نظریه‌ها و فرضیه‌های مطروحه در باب حق می‌توان رد پای تمایل انسان به مبنا قراردادن عدالت به‌عنوان میزان وضع قوانین را رصد کرد (نقره‌کار، ۱۳۹۱، ۵۰).

حق فردی را به سه گروه می‌توان تقسیم کرد:

۱- حقوق سیاسی: اختیاری است که شخص برای شرکت در قواعد عمومی و سازمان‌های دولت دارد. مانند حق انتخاب‌کردن و انتخاب شدن در مجالس قانون‌گذاری و پذیرفتن تابعیت

۲- حقوق عمومی: حقوق عمومی ناظر به روابط دولت و مردم است مانند حق حیات، حق آزادی و...

۳- حقوق خصوصی: اختیاری است که هر شخص در برابر دیگران دارد مانند حق مالکیت، حق ابوت و غیره (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۲۵۵ و ۲۵۶) و همچنین حق در معنای مضیق آن همانا حق ادعا است که لازمه آن وجود وظیفه یا تعهدی در طرف دیگر است. حقوق بشر معاصر در واقع حقوق افراد در برابر دولت است. کارکرد اصلی این نظام هنجاری محدودکردن قدرت در برابر افراد است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که حقوق بشر از اختیاری که هر شخص در برابر دیگران دارد بهره برده و آن را به منصف ظهور برساند، چه به‌راحتی آن را اجرا نماید یا با تلاش و مبارزه و حتی جان فداکردن خود بدان دست بازند. در جهان امروز مقوله آزادی و حقوق انسان‌ها، مطلبی بسیار مهم است که همه کشورها و افراد خود را طرفدار و اجراکننده آن قلمداد می‌نمایند و حتی حکومت‌های دیکتاتوری نیز بر این ادعا

هستند که حقوق بشر را رعایت نموده و افراد در سایه عدالت زندگی می‌نمایند. حقوق و آزادی‌ها در اکثر قوانین اساسی کشورها بیان گردیده و کشورها چه بسا در ظاهر خود را پایبند به اجرای آن می‌دانند در سطح جهانی نیز از حقوق بشر حداقل به صورت نظری حمایت‌های فراوانی می‌گردد و اعلامیه‌هایی در سطح جهان در حمایت از حقوق انسانی به تصویب رسیده است. در ارتباط با دولت‌ها، ماهیتاً از نوع حق ادعا بوده و دولت‌ها متعهد به تضمین این حقوق باری افراد هستند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲، ۳۱).

با این وصف می‌توان گفت که، قانون این قدرت (حق) را برای ایجاد شرایط بهتر و همچنین ضروریات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که لازمه زندگی اوست به وی اعطاء نموده و به‌عنوان ضمانت اجرا و تعهد وظیفه پاسداری و حفاظت از آن را نیز در قانون تبیین نموده و برای حراست از نهادها، افراد و قوانین و مقررات خاصی را معین نموده است.

۱-۱-۲- مبانی فطری حق

مبانی حق اصول و قواعد کلی است که مشروعیت الزام‌آوری مقررات حقوقی را باعث می‌شود. منشأ و خاستگاه حق در مکاتب حقوقی به لحاظ جهان‌بینی و ارزش‌های خاص هر مکتب فکری دارای اهمیت است. اسلام به‌عنوان مکتب فکری، اراده الهی خداوند را تنها منبع حق و تکلیف می‌داند و براساس مبانی خداشناسی و انسان‌شناسی حق و تکلیف، خداوند به‌عنوان عالم حکیم برای بهترین شکل زیستن شخصی و اجتماعی انسان قواعد و قوانینی را وضع کرده است و انسان باید به حکم عقل عملی، از منعم خالق و مالک خود اطاعت کند. بنابراین آن کس که در مبانی حق، خدا محور است خواهان اراده و خواست خداوند است، اما آن کس که در مبانی حق، انسان محور است طبعاً به دنبال اراده اشخاص و سود و منفعت آنهاست. مبانی حق و تکلیف در فقه و حقوق به لحاظ شمولیت و قلمرو یکی، اما به لحاظ کیفیت و شناخت متفاوتند. شاید بتوان عنوان کرد که در جامعه‌ای بدون توجه کلی به اعتبار انسان، افراد دارای حقوق

می‌شوند و امتیازهایی دارند و چه بسا کسانی که حقوقی در یک جامعه داشته باشند و در عین حال همان مطلب در جامعه دیگر ضد حقوق انسانی و ضد ارزش عنوان شود به نظر می‌رسد که حتی در انحصاری‌ترین اندیشه‌ها بتوان برای انسان‌ها حقوقی تصور کرد که برای زندگی کردن بهتر و مفید و مساعد بودن اوضاع شرایط برای سیر زندگی و تعالی جامعه ضروری باشد و آن اندیشه‌های انحصارگر نیز به حقوق انسانی تا حدودی احترام بگذارند.

طیفی از متفکران از لحاظ فلسفی، میان «حق بودن و حق داشتن» قائل به تفکیک شده‌اند. «حق بودن» مفهوم ارزشی و اخلاقی است و به معنای صواب و درستی است، ولی «حق داشتن» یک مفهوم حقوقی اعتباری است و الزاماً واجد جنبه‌های ارزشی و اخلاقی نیست. «حق داشتن» ضرورتاً به معنای انجام عملی خوب و اخلاقی نیست. برای مثال، اگر به فردی که می‌خواهد تصمیم بگیرد به فقیر کمک کند یا خیر، بگوییم «حق کمک کردن» دارد. به این معناست که تصمیم او مبنی بر کمک کردن یا نکردن به صرف «حق تصمیم‌گیری داشتن» از حمایت برخوردار خواهد بود (راسخ، ۱۳۸۷: ۱۸۶ و ۱۸۷).

وینشیلد،^۱ حقوق‌دان آلمانی، با الهام از نظرات ساوینی، حق را این چنین تعریف می‌کند: «توان و قدرتی است که نظم حقوقی به اراده اعطاء کرده است» (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۳۷۲) این تعریف از حق با انتقادهایی روبه‌روست که جدی‌ترین آن، قرار دادن اراده اشخاص به‌عنوان بستر و پایگاه حق است که در بسیار موارد، حق بر اراده و خواست اشخاص استوار نمی‌شود، بلکه بر شخصیت یا موقعیت ایشان تبلور می‌یابد. مثلاً در جایی که فوت مورث، وراثت بی‌آنکه اراده‌ای کنند، صاحب حق می‌شوند. گروهی، از جمله فقها، از حق به «توان تصرف» تعبیر می‌نمایند.

فقیهان، حق را درجه‌ای ضعیف از مالکیت می‌پندارند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۳۷۳). در میان حقوق‌دانان غربی نظر پوفندورف^۲ بیشترین قرابت را با دیدگاه فقهایی

1- Winshield

2- Pufendorf